

هوالمحبوب

کوی نومیدی مرو امیدهاست  
سوی تاریکی مرو خورشیدهاست

یادداشت‌هایی از:

دکتر حسین محی‌الدین الهی قمش‌ای

به اهتمام:

زهرا سینایی (راحیل)

قسم به شب تار هنگامی که در پرده بیوشاند  
قسم به روز هنگامی که عالم را به ظهور خود روشن سازد  
قسم به مخلوقات که همه را جفت آفرید  
که این سعی شما مردم، بسیار مختلف است  
سوره‌ی الیل، آیات ۱ تا ۴

ده سال در پاسخ به ندای دل و در جستجوی حقیقت،  
عالم صورت را با همه‌ی زیبایی‌ها و البته هیاهویش،  
علیرغم ملامت برخی دوستان و دلواپسی برخی نزدیکان، رها کردم  
و صبورانه در خلوت زیستم.

در آن ایام شگفتی‌های بسیار به چشم دیدم و چنانکه خداوند در قرآن سوگند یاد نموده:  
فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ، وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ، وَالْقَمَرِ إِذَا تَسَقَّ، لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ<sup>۱</sup>  
احوالاتی بسیار گوناگون را که اغلب بسیار تلخ و صعب و گاه نیز شیرین و دلنشین بود،  
سپری کردم. اما در تمامی آن دقایق، حتی لحظه‌ای چشم از هدف برنگرفتم و بیش از همه  
لازمان و لامکان بودن خداوند را به معنای واقعی کلمه، درک و زندگی کردم.

---

۱- قسم به شفق و روشنی اول غروب، قسم به شب تار و آنچه در او گرد آمده، و قسم به ماه تابان هنگامی که تمام فروزان شود،  
قسم به این امور که شما احوالات گوناگون و حوادث رنگارنگ دارید. سوره‌ی انشقاق، آیات ۱۶ تا ۱۹

این دست‌نوشته‌های عمیق و آسمانی  
که به قلم پدر روحانی و استاد ارجمند دکتر حسین الهی قمشه‌ای نگاشته شده،  
پاسخ برخی پرسش‌ها و توصیف پاره‌ای از احوالات تلخ و شیرین من در آن روزگار بود  
که همچون ستارگانی درخشان، خلوت مرا غرق در نور رو روشنی می‌نمود  
و در پرتگاه‌ها و پیچ و خم‌های بسیار دشوار ترس و نومیدی،  
امید و اطمینان و آرامش و وقار می‌بخشید  
و همچون چراغی هدایتگر، راه را در مقابل قدم‌هایم می‌گشود  
و مرا در ادامه‌ی راه، استوار و ثابت قدم می‌داشت.  
اکنون پس از گذشت سال‌ها و با کسب اجازه از حضور استاد بر آن شدم  
که درب این گنجینه را که تنها خود در اختیار داشتم، به روی همگان بگشایم  
و گوهرهای نهفته در آن را با همه‌ی خوانندگان تقسیم کنم هر چند به تعبیر حکیم بوعلی سینا

دل گرچه درین بادیه بسیار شتافت  
اندر دل من هزار خورشید بتافت

یک موی ندانست اگر موی شکافت  
آخر به کمال ذره‌ای راه نیافت

زهرا سینایی (راحیل)  
۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۲

فهرست:

- ۱- سپاس
- ۲- دعوت عاشقانه
- ۳- داستان آفرینش
- ۴- نوروز
- ۵- صبر
- ۶- تولد مسیح چه زمانی است؟
- ۷- نماز رقصی عاشقانه
- ۸- روزه
- ۹- فرشته
- ۱۰- گنج‌های تو کجاست؟
- ۱۱- عالمی دیگر بیايد ساخت و زنو آدمی
- ۱۲- معشوق الهی
- ۱۳- قمار عشق
- ۱۴- خُلق تنگ
- ۱۵- سمفونی عالم
- ۱۶- زیباترین ترانه‌ی جهان

## ۱- سپاس

ای پروردگار نازنین!  
تو را سپاس می‌گوییم به خاطر نعمت وجود آنان که  
لذات آفرینش را به ما می‌آموزند!  
پس چنان کن که ما نعمت‌ها و مواهب تو را آنگونه صرف کنیم  
که عشق تو را به دیگران بیان کند.  
چه خوش تر که دامن خود را از گل و ریحان و نسرين پر کنیم  
و بگوییم

چون درخت فروردین، پرشکوفه شد جانم  
دامنی ز گل دارم، بر چه کس بیفشانم؟

سیمین بهبهانی

## ۲- دعوت عاشقانه

خداوند دعوت کرده است جمله آدمیان را، دعوتی عاشقانه، که به سوی من آید.  
و این پیام عاشقانه را در صحف آسمانی و سخن انبیاء و اولیاء به اطوار گوناگون بیان کرده است.  
از جمله به زبان محی‌الدین عربی این دعوت چنین بیان شده است:

بشنو ای محبوب! که مقصود آفرینش، تویی  
نقطه‌ی مرکز و محیط کائنات، تویی  
آن مشیت و فرمان که بین زمین و آسمان در حرکت است، تویی  
بسیط و مرکب، تویی  
من ادراک را در تو آفریدم تا آینه دیدار من باشد  
اگر مرا ادراک کنی، خود را نیز درخواهی یافت  
اما اگر در سودای خود باشی، طمع مدار که هرگز با نفس خود مرا ادراک کنی  
تو به چشم من توانی دید، مرا و خود را  
و به چشم خود نخواهی دید، مرا و خود را  
ای محبوب!  
چه بسیار که تو را خواندم و تو آوای من نشنیدی  
چه بسیار که جمال خود را بر تو نمودم و رؤیت نکردی